

## تحلیل تاریخی و علل شکل گیری جنگ تروا

**محمد مسیح هاشمی نیا**

دانشجوی دکتری گروه معارف اسلامی و الهیات، واحد بافت، دانشگاه آزاد اسلامی، بافت، ایران

Masih252017@gmail.com

**دکتر فاطمه جان احمدی**

استاد تاریخ اسلام، واحد تهران، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

janahmad2004@yahoo.com

**دکتر ابراهیم خراسانی پاریزی**

استادیار تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد بافت، دانشگاه آزاد اسلامی، بافت، ایران

abrahim.khorasany@gmail.com

**فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ (شاپا) ۲۰۰۸-۲۰۲۱ سال ۱۸ شماره ۶۹ - صفحه ۸۱-۶۲**

**تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۴/۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۵**

### چکیده

یونان در بستر تاریخ فراز و نشیب های فراوانی داشته است. گاهی در اوج قدرت بوده و گاهی رو به تباهی می‌نهاده است. از رویدادهای مهم یونان که توانست نظر تاریخ نویسان و باستان شناسان فراوانی را به خود جلب کند، جنگ ترواست. حتی جنگ تروا عامل آفرینش اثر حماسی و کهن ترین اثر از جمله ایلیاد شد که ادبیات کلاسیک یونان را تحت الشعاع قرار داد. برخی جنگ تروا را با توجه به آنچه در ادبیات یونان آمده است، افسانه قلمداد نموده‌اند اما تاریخ نویسانی چون هرودوت و توسیدید آن را یک واقعه تاریخی می‌دانند. همچنین کشفیات باستان شناس بزرگ شلیمان که در سال ۱۸۷۶ م عزم خود را بر آن داشت تا محتوای ایلیاد را به گونه‌ای دیگر تایید کند، بازگوکننده این است که جنگ تروا یک واقعیت تاریخی بوده‌است. در واقع جنگ تروا جنگی میان یونان و تروا است که شاعری چون هومر عامل اصلی شکل‌گیری آن را برده شدن هلن توسط پاریس معرفی نموده‌است اما با ورق زدن تاریخ این علت به آن اندازه محکم و قوی نیست که بتواند جنگی ده ساله را دلیل شود. از طرفی یونان همواره بر این بود که قدرت را در دست داشته باشد از آنجایی که تروا در موقعیت جغرافیایی مناسبی برای رشد اقتصادی قرار داشت، بنابراین یونان بر آن شد تا تروا را تصرف نماید و این جستار بر آن است تا علل شکل‌گیری جنگ تروا را مورد پژوهش قرار دهد. در داستان جنگ تروا علاوه بر پهلوانان، خدایان نقش‌آفرینی کردند و حتی این خدایان بودند که جنگ را پیش بردند و در جنگ هر کدام از آنان حامیان گروه مختلفی بودند. این تحقیق به روش توصیفی-تحلیلی صورت گرفته است.

کلیدواژه: یونان، جنگ تروا، خدایان، آگاممنون، هلن، آشیل، هکتور

## ۱- مقدمه

جنگ تروا از مهم ترین وقایع یونان کلاسیک است زیرا سبب پیدایش کهن ترین آثار ادب حماسی شد. جنگ تروا جنگی است که در آن خدایان و انسان ها نقش آفرینی می کنند و هومر آن را به طرز زیبا در ایلیداد به تصویر کشیده است. در واقع اثر حماسی یونان بیان کننده این می باشد که یونان خاستگاه آدمیان و خدایان است و این خدایان «در برابر جامعه انسانی، حکم اشرف سالار محارب را در برابر کارگران متن جامعه انسانی دارند» (شهباز، ۱۳۵۳: ۱۲). خدایان نقش بسزایی در پیشبرد جنگ دارند تا آنجا که خود آدمیان به این حقیقت وقوف می یابند. در زمان هایی که قهرمانان از کشمکش باز می ایستند این خدایان هستند که آنان را تحریک به ادامه جنگ می نمایند و بیهوده نیست اگر اثر حماسی ایلیداد را جنگ خدایان بنامند. «مشاجرات و کشمکش هایی که در هیات تناقض مرگ و زندگی ظهور می کند و سرانجام قهرمان داستان را به سمت پابانی تراژیک سوق می دهد» (سناری، ۱۳۶۸: ۲).

## ۲- پیشینه پژوهش

تاکنون هیچ پژوهشی در رابطه با جنگ تروا و بررسی علل آن صورت نگرفته است و این پژوهشی تازه در این زمینه می باشد اما تحقیقاتی در مورد واقعیت یا افسانه ای بودن جنگ تروا صورت گرفته است که به آن ها اشاره می نمایم. کتاب تاریخ هرودوت که در آن به ماجرای جنگ رداخته است و آن را هرودوت یک واقعیت تاریخی بنابر کشفیات باقیمانده شهر تروا تلقی کرده است. مقاله ای با عنوان جنگ تروا، افسانه یا واقعیت که در سال ۱۳۸۸ توسط احسان رضایی نگارش شده است و در مجله همشهری جوان به چاپ رسیده است. به این ماجرا اشاره نموده است که جنگ تروا سرآغاز نبردهای شرق و غرب برای در دست نگه داشتن قدرت بوده است.

## ۳- مبانی نظری

بنا بر روایات یونانی، کلمه "تروا" مشتق است از نام تروس، پدر ایلوس، پدر لائومدن، و پدر پریاموس. نام های متعدد این شهر تروآس و ایلپوس و ایلپون و ایلپوم همه از نام های این خانواده

گرفته شده است. معمولاً یک گروه سیاسی یا اجتماعی نام یک قهرمان افسانه‌ای را به خود نسبت می‌دهد. مثلاً دارانیان معتقد بودند یا وانمود می‌کردند که از نسل داردانوس، پسر زئوس هستند، و قوم دوری خود را از سلاله دوروس، و یونایی‌ها خود را از نسل یون می‌دانستند (ویل دورانت، ۱۳۷۷: ۴۴).

جنگ تروا جنگی ده ساله میان یونان و تروا بود و تروا نیز از لحاظ جغرافیایی در منطقه‌ای به نام تنگه داردانل قرار داشت که کشتی‌ها از آنجا می‌گذشتند و به همین دلیل ترواییان از آنان خراج می‌گرفتند و این امر سبب رونق اقتصادی تروا گشت (رضایی، ۱۳۸۸).

یونان نامی است فارسی شده آئونیا که به روزگار باستان، نام بخشی از سرزمین‌های همجوار جزایر اژه بوده است (عباسی، ۱۳۸۹: ۴۲). سرزمین یونان دارای وسعت و گستردگی زیادی می‌باشد و از یونان مرکزی و جزایر متعدد پراکنده در سراسر دریاهای اژه و آدریاتیک تشکیل شده و کشوری کوهستانی با تابستان‌های گرم و خشک و زمستان بارانی می‌باشد. سکونت گاه‌های جوامع یونان باستان از آغاز به صورت واحدهای مستقل کوچکی ایجاد شده بودند که به وسیله کوهستان‌هایی از یکدیگر جدا می‌شدند. اغلب، این جوامع برای تصاحب بهترین زمین‌ها رقابت می‌کردند زیرا زمین مرغوب حاصلخیز به حد کافی وجود نداشت. این جوامع، دولت شهرها یا پولیس را با هویت مستقل تشکیل داده و شهروندان نسبت به آن‌ها و خدای پشتیبان شان بسیار وفادار بودند (پیرسون، ۱۳۹۷: ۶).

یونان باستان دارای مساحتی مبنی بر ۵۰۰/۶۴ کیلومتر مربع می‌باشد. یونان به سه بخش وسیع تقسیم می‌شود که وجود فاصله و موانع بین این بخش‌ها سبب گشته که از وحدت سیاسی برخوردار نباشد. «یونان قاره ای (بالکانی) تنها شامل یک چهارم سرزمین یونان می‌شد و آن فقط شبه جزیره‌ای بود که به وسیله خلیج‌ها و رشته‌های کوهستانی به سه منطقه کاملاً مشخص تقسیم می‌شد: شمال، مرکز و جنوب یا پلوپونز. یونان شمالی نیز خود به دو بخش - اپیروتالی - تقسیم می‌شد. از نقطه نظر سیاسی مهم‌ترین ناحیه یونان مرکزی آتیک و به اوتی واقع در شرق بودند. مناطق اصلی پلوپونز نیز عبارت بودند از آرگولید، لاکونی، میسنی، السید و آرکای. سرزمین

یونان را از هر سو کوهستان‌ها و به طور عمده کوه‌هایی که بیش از ۲۰۰۰ متر ارتفاع دارند و از شمال به جنوب کشیده شده‌اند، قطع می‌کنند» (انصاری و دیگران، ۱۳۵۳: ۱۹).

کوهستان‌های پیند، پاراناس و آرکایی و آرکادی واقع در قسمت‌های مختلف یونان می‌باشند که سبب جدایی قسمت‌های مختلف یونان شده‌اند اما جوامع مستقل و مجزا، شرایط مساعدی را فراهم نموده‌اند. برخلاف کوهستان‌ها، دریا سرتاسر یونان را فرا گرفته و سبب ارتباط با دیگر جوامع گشته است. جزایر واقع در دریای اژه بخشی از جغرافیای بزرگ یونان را تشکیل می‌دهند که این جزایر عبارتند از: جزیره بزرگ اوبه در غرب، جزایر تاسوس و لمنوس، ایمبروس و تنوس واقع در شمال و جزایر بزرگ لسبوس و خیو و ساموس واقع در شرق یونان که در برابر کرانه آسیای صغیر ممتد شده‌اند.

یونان دارای مناطق مختلفی از جمله شمالی، جنوبی و مرکزی است که «در منطقه شمال یونان بالکانی (که به آن یونان بری هم گفته می‌شود) تسالی قرار دارد که دشتی حاصلخیز است. راه جنوب تسالی را کوه‌هایی تنگ و صعب‌العبور کرده‌اند و یگانه معبر این منطقه، تنگه ترموپیل است که نام آن به ویژه در تاریخ یونان ماندگار شده است. در انتهای جنوب شرقی یونان بری یا یونان بالکانی، منطقه آتیکا قرار گرفته است. آتیکا منطقه‌ای کوهستانی است و مثل نوک کشتی در دریا پیشروی کرده است. نزدیک ساحل آتیکا در پای کوه، شهر آتن بنا گردیده است. پلوپونز نیز یکی از مناطق جغرافیایی معروف در تاریخ یونان است که رشته کوه‌هایی آن را به دو قسمت جدا تقسیم کرده است. قسمت مرکزی پلوپونز، آرکادی است که دشت‌های مرتفع حاصلخیزی دارد. در آرکادی رشته کوه‌هایی وجود دارد که در مغرب این رشته کوه‌ها، میسنی قرار دارد و در مشرق آن در لاکونیا، شهر اسپارت بنا گردیده که در تاریخ یونان، یکی از رقیب‌های نیرومند آتن بوده است. در دامنه غربی همین رشته کوه‌ها آن جا که به سمت دریای ایونی می‌رود، ناحیه لید قرار گرفته - است» (زرشناس، ۱۳۹۳: ۴۱-۴۲).

#### ۴- ایلیاد

در ایلیاد تمامی حوادث جنگ تروا بیان گردیده است. حوادثی در حین جنگ و حتی حوادثی پس از فتح تروا که از جمله آن‌ها کشتن افراد زنهارخواه و در حال گریزی مثل توئون و هودیوس، کشته شدن جوانان بی‌گناهی که برگور پاتروکل سر می‌برند؛ نیز قربانی کردن بی‌گناهیانی همچون پولیکس و به قتل رساندن نوزادانی همچون آستیاناکس و افراد پیر و ناتوانی مثل پریام را می‌توان نام برد.

این شاهکار حماسی در حدود هشت قرن پیش از میلاد مسیح به وسیله هومر که «از سرزمین چائوس بوده است» (گریفین، ۱۳۷۶: ۷) و شاعر نابینای یونانی سروده شد. تمام موضوع ایلیاد جنگ ترواست و این وحدت موضوع در کل اثر مشهود است. ارسطو نیز در فن شعر هومر را از آن رو که وی بر یک موضوع یا عمل داستانی یگانه و دارای وحدت متمرکز شده است، شاعر سرآمد زمان لقب داده است (poetics.42:1965). در واقع ایلیاد «بزرگترین، عظیم‌ترین و کهنسال‌ترین اثر رزمی کلیه زبان‌های اروپایی است و با وجود عمری قریب سه هزار سال هنوز در اروپا اثری هم‌مطراز آن سروده نشده است. این منظومه که به زبان یونانی قدیم سروده شده، شاید بیش از هر اثر ادبی دیگر در سراسر جهان شهرت دارد و آن را باید حماسه یونانیان قدیم دانست. ایلیاد به زبان یونانی «ایلیاس» یا «ایلیدوس» نام دارد. وجه تسمیه آن از کلمه «ایلیون» که یکی از نام‌های شهر «تروا» در آسیای صغیر است گرفته شده است. این حماسه منظوم بزرگ شامل بیست و چهار سرود و ۱۵۶۸۱ بیت است که هر یک از آن‌ها «ایلیدوس» نام دارد و به همین جهت همه کتاب را ایلیاد خوانده‌اند. این اثر از زمان هومر سینه به سینه نقل شده و سرانجام توسط چند تن از دانشمندان مکتب اسکندریه گردآوری شده است. حوادث این شاهکار بزرگ به حدود سال ۱۱۴۸ قبل از میلاد بازمی‌گردد و شرح نبردی شورانگیز است که میان مردم یونان و مردم تروا بر سر زنی خوبروی به نام هلن در گرفته است. این نبرد در حقیقت نبرد بین ایزدان است و در این منظومه بزرگ، خدایان مانند انسان‌ها وظایفی برعهده دارند. «هرا و آتنه» دشمن پاریس و زادگاه او هستند، زیرا پاریس «آفرودیت» را بر آنان رجحان داده است. زئوس، ایزد ایزدان مشتاق نیست که تروا با خاک یکسان

شود و دلورانش به خاک و خون غلتند. اما «هرا» ملکه خدایان او را سرگرم کرده، مانع آن می‌شود که از وضعیت تروا آگاه شود. از طرف دیگر «آپولون و «آفرودیت» یاران مردم تروا هستند و در این میان آرس که رب النوع جنگ است کاری جز این ندارد که دو سپاه را به جان هم اندازد. در این منظومه گذشته از دلوروی‌ها و رزمجویی قهرمانان یونان و تروا که با بیانی مؤثر و دل‌انگیز توصیف شده، تصویر ارزنده‌ای از افسانه‌ها و عقاید یونانیان باستان را می‌توان یافت. «(هومر، ۱۳۸۶: ۵).. از طرفی «وحدت تاریخی و باستان‌شناختی ایلپاد گواه وحدانیت شاعر و عصر آن است» (sround.179:1996).

از دید جامعه‌شناسی ایلپاد متضمن اطلاعاتی درباره آداب، باورها و جزئیات زندگی یونانی است که نمودهای آن را نه تنها در باور خودآگاه جمعی یونانیان بلکه تا دیر زمانی در باور و اندیشه ملل همسایه نیز دیده می‌شد چنانکه با وام‌گیری شخصیت انه‌اید از هومر برای حماسه ویرژیل، رومیان را باور بر این بوده که آئناس تروایی پس از نابودی تروا، گروهی از مردمانش را به ایتالیا کوچ می‌دهد و از نسل ایشان مردمان روم پا می‌گیرند (سیدیر و کنستانتین، ۱۳۷۵: ۹۱).

## ۵- علل جنگ تروا

جنگ تروا یک واقعیت تاریخی قلمداد شده است اما با توجه به آنچه در ادبیات یونان گنجانده شده آن را به یک رویداد افسانه‌ای مبدل ساخته است. از جمله مورخان هرودوت و توسیدید آن را امری تاریخی دانسته‌اند. «هنگام جنگ تروا که هم هرودوت و هم توسیدید آن را امری تاریخی می‌دانستند و به صورت روایی تاریخ آن به اوایل قرن دوازدهم قبل از میلاد بازمی‌گردد. اراتستن، دانشمند قرن سومی تاریخ غارت تروا را سال ۱۱۸۴ می‌دانست» (استاتارد، ۱۳۹۷: ۱۷). طبق نوشته هرودوت بقایای شهر در حفاریات اخیر در اطراف محلی که امروز حصارلک نام دارد یافته‌اند (هرودوت، ج ۲، ۲۰۰).

آنچه مشخص است اساطیر نیز در این جنگ نقش‌های بسیار مهمی را داشتند و از نوشته‌های هومر چنین برمی‌آید که رویدادی است که رگه‌های روان‌شناسی در آن هویداست. آشیل که قهرمان

جنگ و درواقع سبب پیروزی یونانیان شد، مانند بسیاری از اشراف زادگان آوازه و شهرت و نام نیک را بر همه چیز ترجیح می دهد. مادر او یک پری دریایی به نام تتیس بود، به او خبر می دهد که «می تواند میان دو سرنوشت یکی را انتخاب کند: از زندگی طولانی لذت ببرد بی آنکه یاد و خاطره ای از او باقی بماند یا جوان مرگ شود و شهرت جاودانه داشته باشد. آشیل با برگزیدن سرنوشت دوم، در قرون بعد الهام بخش مردان جوان و بلندپرواز بسیار شد» (استارتاد، ۱۳۹۷: ۲۱).

علت اساسی جنگ تروا ربودن هلن، توسط پاریس بود که قبل از ربوده شدن، این آفرودیت بود که وعده دلدادگی هلن را به پاریس می دهد. «هرا، همسر زئوس، به پاریس وعده می دهد که اگر انتخاب شود وی را به شهریاری می رساند، آتنا زن ایزد جنگ، به او وعده فتح و پیروزی می دهد و آفرودیت الهه عشق، تعهد می کند که پاریس، از هلن، زیباترین زنان جهان دل خواهد ربود. می دانیم که پاریس، سومین الهه را برمی گزیند و آفرودیت بنا به وعده ای که داده بود اژه را به خاک و خون می کشد» (دومزیل، ۱۳۸۴: ۱۳۷).

منلاوس که همسر هلن بود با اطلاع از ربودن همسرش، از شهریاران یونان می خواهد تا به او یاری رسانند و به سوی دشمن بتازند. سپس سپاهی بزرگ و گران آماده می شود و به فرماندهی مبارزی برومند و جنگاور اما سبک مغز به نام آگاممنون که در عین حال برادر منلاوس نیز هست، عازم شهر تروا می گردند. دلاوران یونانی برای گشودن تروا و پس گرفتن هلن مدت ده سال می جنگند.

درواقع با توجه به نحوه آغاز سرودن ایلیداد و علت اصلی جنگ تروا می توان با جرأت گفت که جنگ تروا، جنگ خدایان بوده است و با ناراحتی که از انسانها به آنها رسیده بود جنگ درگرفت. درواقع در ایلیداد بسیار به کردار و گفتارهای آگاممنون پرداخته شده است در حالی که او در مقام شاهی نیز قرار دارد و این رفتار او شایسته این مقام نمی باشند زیرا برای رهیافت به مرتبه شاهی باید «ویژگی ها و مهارت های گوناگون از اخلاق و هوش به نمایش نهاد. به ویژه مهارت های قدرت جسمانی و جنگی توامان با خردمداری همراه با مشورت جویی» (taplin.47:1992) که آگاممنون فاقد این ویژگی ها بود.

از علت های اساسی و بسیار مهم شکل گیری جنگ تروا می توان به آنچه باستان شناس معروف، شلیمان، در پی اکتشافات خود دست یافت اشاره کرد و این علل به اقتصاد و سیاست یونان و تروا باز می گردد زیرا تروا در موقعیت اقتصادی غنی و مهمی قرار داشت و این یونانیان را بر آن داشت که این شهر غنی و ثروتمند را زیر سلطه خود درآورند. « در ۱۸۷۶، شلیمان عزم جزم کرد که محتوای حماسه ایلیاد را از جهت دیگری نیز تایید کند: نشان دهد که آگاممنون نیز واقعت خارجی داشت است» (ویل دورانت، ۱۳۷۷: ۳۳). طبق کشفیات شلیمان «دشت تروا از لحاظ حاصلخیزی وضعی متوسط دارد، ولی در جانب خاوری آن فلزات گرانبها به دست می آید. با این وصف، علت توانگری تروا و همچنین علت هجوم یونانیان را نمی توان در پرمایگی خاک تروا جست. ظاهرا علت اصلی همانا موقعیت جغرافیایی ترواست. تروا نزدیک تنگه داردانل و در همسایگی سرزمین های غنی دریای سیاه قرار دارد. تنگه داردانل، در سراسر تاریخ، رزمگاه امپراطوری ها بوده است، و حادثه گالیپولی صورت جدید حادثه ترواست. تروا، به برکت وضع جغرافیایی خود، از کشتی هایی که می خواستند از داردانل بگذرند، باج می گرفت. اما چون چسبیده به دریا نبود، از حملات دریایی مصون می ماند. شاید این عامل بود و نه چهره زیبای هلن که صدها کشتی یونانی را به تروا حمله ور کرد. نظر محتمل تر این است که بازرگانان، بر اثر بادها و جریان های دریایی که در تنگه مجاور تروا رو به جنوب وزان بود، بارهای خود را در تروا خالی می کردند و از آنجا به سرزمین های دیگر می بردند. شاید تمول تروا محصول خراجی است که از بازرگانان می گرفت. در هر حال، چنانکه از بقایای تروا برمی آید، بازرگانی تروا بسرعت راه کمال پیمود. از نواحی سفلی اژه، مس و روغن زیتون و شراب و ظرف های سفالی، و از دانوب و تراکیا ظرف های سفالی و عنبر و اسب و شمشیر و از چین دور افتاده اشیای شگرفی مانند پشم به تروا وارد می شد. در مقابل، تروا الوار و نقره و طلا و خر و وحشی صادر می کرد.» (همان، ۴۴).

همچنین با اکتشافات باستان شناسی مشخص شد که آتش سوزی بزرگ تروا در ایان عصر مفرغ بوده است که پس از آن عصر آهن آغاز می گردد (رضایی، ۱۳۸۸).



با توجه به تمامی مواردی که بیان گشت می‌توان گفت که جنگ تروا یک واقعیت تاریخی داشته است و هومر که پس از ۴۰۰ سال از وقوع حماسه تروا آن را بیان می‌دارد به آن جنبه‌های حماسی و افسانه‌ای را اضافه می‌نماید تا اثر خود را به شکل یک اثر ادبی-هنری نمایان سازد و با تحقیقات باستان‌شناسان می‌توان به این نتیجه رسید که جنگ تروا از نمونه جنگ‌هایی بوده است که همیشه ابرقدرتان سعی بر آن داشته اند مالکیت سرزمین‌هایی که دارای موقعیت جغرافیایی و اقتصادی چشمگیری هستند را به تصرف خود درآورند.

### ۶- نقش خدایان در جنگ تروا

خدایان در نزد یونانیان بسیار مورد احترام بودند و این خدایان بودند که در تمامی امور نقش بسزایی داشتند و بعدها نیز با شکل‌گیری مذاهب در یونان به ویژه در زمان هومر، خدایان مورد ستایش و احترام قرار گرفتند. «خدایان یونانی در همه شئون زندگی خصوصی و عمومی یونانی‌ها مداخله داشتند و اساس مدینه نیز مانند ژنوس بر مذهب استوار بود. این مذهب به تدریج رو به تکامل رفت و وضع طبیعی یونان و صفات اصلی مردمی که در آن سرزمین جانشین یکدیگر شدند موجب تنوع خدایان یونانی گردید، استقلال سیاسی که مولود ساختمان طبیعی یونان بود، استقلال مذهبی نواحی مختلف را به وجود آورد و به این ترتیب، هر خانواده، هر قبیله و هر شهر شعائر مذهبی مخصوص به خود داشت؛ در دوره هومری تحولات بزرگی در مذهب صورت گرفت و امر تجسم خدایان عملی شد، در این دوره حیوانات و ارواح مورد پرستش نبودند و خدایان یونانی به صورت انسانی، با تمام معایب و محاسنی که یک فرد بشر داشت، مورد احترام قرار گرفتند» (بهمنش، ۱۳۴۵: ۱۵۵).

انسان‌ها خود را ناتوان می‌یابند و این خدایان هستند که به یاری آنان می‌شتابند. «دعا، قربانی کردن، تقدیم هدایا به معابد، باده افشانی و نذر کردن برای خدایان به قصد یاری خواستن و بر سر مهر آوردن آنان و رفع بلاها، همه نشانگر عجز و ناتوانی انسان در مقابل نیرویی فراتر از قوای بشری است. ادعیه و صدقات از یک سو انسان گرفتار آمده در وادی ناامیدی و تنهایی را به مرجعی قدرتمند که حامی انسان‌های ضعیف و بی‌پناه است ارجاع می‌دهد و از دیگر سو سبب تعدیل

قدرت و خودبینی اقویا و فساد ناشی از آن می شود. پادشاهان و پهلوانان زورمندی که به نیرویی فوق قدرت خود معتقدند در سلوک با رعایا و زیردستان، دست خود را بر ستم و تعدی گشاده نمی بینند و رفق و مدارا در پیش می گیرند و ناملایمات و ناکامی های خود را ناشی از خشم خدایان و قصور خود در انجام احکام و شرایع صادره از سوی خدا یا خدایان می دانند و برای جبران گناهان خود و بر سر مهر آوردن خدا یا خدایان با انجام مراسم و آیین هایی خاص دست به دعا برمی دارند و هدایایی نثار خدایان و معابد می کنند» (ابراهیمی فر، ۱۳۷۵: ۱۵۸). خدایان و پهلوانان یونانی در طول بستر تاریخی یونان، دارای قداست بسیاری بودند تا آنجایی که بعدها که سلطنت موروثی در یونان پا به عرصه نهاد هر شاهی سعی بر آن داشت تا سلسله نسب خود را به پلوانان یا خایان برساند. «در آن روزگاران، به اقتضای مناسبات دنیای قدیم، نهادهای ریاست و قدرت نظامی عموماً در شخص یا اشخاص واحدی جمع می شده و دیگر نهادها از قبیل بخشهای دینی، فرهنگی و اجتماعی و خدماتی جامعه چونان نهادهای زیر دست به شمار می رفته است؛ بنابراین، طبیعی است که در دوران سلطنت موروثی یونانیان، شاهان یا از نژاد پهلوانان داستانی و اسطوره ای بودند و یا می کوشیدند به نحوی خود را در حوزه (از نسب) این پهلوانان قرار دهند. معروف است که فیلیپ دوم پدر اسکندر مقدونی برای معطوف کردن نظر شهروندان و یونانیان به حکومتش و جلب حمایت ایشان، خود را از اعقاب آشیل یا آخیلوس پهلوان اسطوره ای یونان - می شمرد» (نصر اصفهانی و میرمجریان، ۱۳۸۸: ۱۴۲).

خدایان با داشتن چنین جایگاهی و الا پس در مهم ترین اتفاقی که سبب آفرینش اثرهای ادبی مهمی در یونان گشت، ورود می یابند و آنگونه که قبلاً نیز بیان نمودیم این جنگ، جنگ خدایان بود. هر یک از خدایان در جنگ حامی و پشتیبان گروهی بود. آتنا و هرا حامی و طرفدار یونانیان بودند زیرا پاریس از میان آن‌ها آفرودیت را برگزیده بود بنا بر این سبب، این دو الهه دشمنی تروا را در دل کاشتند. «در ضیافت ازدواج پله و تتیس، استرایف که به مهمانی خوانده نشده بود سیبی زرین که روی آن نوشته شده بود "برای زیباترین" به میان جمع افکند و با این کار سه خدایان بزرگ [آتنا، هرا و آفرودیت] را برای دستیابی بدین سبب به رقابت کشانید و به ناچار برای تعیین زیباترین

خدایانو برای داوری نزد پاریس رفتند و از این میان پاریس، آفرودیت را برگزید و هم بدین دلیل آتنا و هرا دشمنی تروا را در دل گرفتند» (پین سنت، ۲۰۳:۱۳۸۰).

برخی خدایان از مردم تروا حمایت می‌کردند و آنان را تشویق به جنگ می‌کردند و برخی مانند آتنا جنگجویان و پهلوانان یونانی را تشویق می‌نمودند و به آن‌ها جرأت می‌بخشیدند. «مردم آخایی فریاد پیروزی برمی‌آوردند و کشتگان را برداشته بودند، با گامهای تند پیش می‌رفتند. فوبوسکه از فراز پرگام چشم بر نبردگاه دوخته بود، از این کار دگرگون شد. بانگ برداشت و بدین سخنان مردم تروا را دل داد: دوباره بتازید، ای جنگاوران ارجمند و پیروزی را برای مردم آخایی مگذارید، پیکرهایشان از سنگ و آهن نیست و در برابر ضربت‌های دلشکاف رویینه تاب ندارند. آخلیوس، پسر تیس، یاور ایشان در جنگ نیست، در کنار کشتی‌های خود خشمی را که بر او چیره شده است در دل می‌پرورد. این خدای هراسانگیز از فراز باروها چنین سخن گفت، اما آتانه سرفراز، دختر زئوس، شور یونانیان را برمی‌انگیخت، در میان گروه جنگجویانشان و در هر جایی که می‌دید سستی در دلها راه یافته است راه می‌رفت» (همان، ۲۱۱-۲۱۳).

برخی از خدایان به دلیل نسبت داشتن با پهلوانان از آنان حمایت می‌کنند و برای رهایی آنان از هلاکت تلاش می‌نمایند؛ همانطور که زئوس خواسته بود سارپدون و پاتروکل با هم نبرد کردند. دل زئوس به درد آمد و خواست راهی پیدا کند که پسرش کشته نشود؛ اما هرا او را از این کار بازداشت و به او گوشزد کرد: «اگر تو سارپدون را در کاخ خود از خطر برهانی، ببین آیا خدای دیگر هم نمی‌خواهد بازمانده‌ی گرامی خود را از این هنگامه شوم به در برد؛ زیرا پسران خدایان که ایشان را در آتش خشم خواهی افکند دسته دسته گرداگرد تروای پهناور کارزار می‌کنند» (همان، ۹۷). هرا با این سخنان زئوس را آرام می‌کند و پاتروکل سارپدون را می‌کشد.

برخی از خدایان به خاطر نجات جان پهلوانان زخمی می‌شوند زیرا خدایان یونانی «از مرگ در امانند اما از رنج و گزند در امان نیستند و ممکن است مجروح گردند» (زرین کوب، ۱۳۸۶: ۴۲). آفرودیت در پی تلاش نجات پسر خود توسط دیومد مجروح و زخمی می‌شود. «چون پسر دلاور تیده، در میان مردم تروا دوید به الهه رسید، جستی زد، زوبین خود را پیش برد و بر دست مهربان

آفرودیت زخمی زد، زوبین در پوشش آسمانی وی که خداوندان زیبایی بافته بودند فرو رفت و پوست را خراش داد. هماندم خون جاودانی الهه که بخار پاکیزه‌ای بود فرو ریخت، همچنانکه خون خدایان نیکبخت می‌ریزد، خدایانی که میوه دمتر نمی‌خورند و نوشابه آتش‌آسای پروردگار انگور نمی‌آشامند: همین است که خونشان تباہ ناشدنیست و خود نیز جاودانی‌اند. آفرودیت فریادهای دلشکاف زد و پسرش از بغلش افتاد: فوبوس او را از زمین برداشت و در ابرهای تیره پنهان کرد تا از تیر مرد آخایی و از مرگ برهاند... ایریس سبک خیز دست الهه را که از درد بسیار از پا درآمده بود گرفت و از هنگامه بیرون برد.» (هومر، ۱۳۸۶: ۲۹۹).

## ۷- سرانجام جنگ تروا و عاملان آن

منلاس و هلن دو عامل مهم شکل‌گیری جنگ تروا می‌باشند که پس از پایان جنگ منلاس فرمانروا می‌شود و با هلن زندگی خود را ادامه می‌دهد و این دو جاودانه می‌شوند. «منلاس در آغاز بر آن بود که هلن را به کیفر بیوفایی نابود سازد؛ اما زیبایی هلن و پیوند او با زئوس این کار را ناممکن کرد و با هلن از تروا بازگشت. در بازگشت منلاس ناخدای کشتی او سونیوم مرد و در دماغه جنوب غربی پلوپونز جریان باد کشتی‌های اسپارت را به جانب کرت و مصر کشانید و در این مسیر منلاس هشت سال به گردآوری ثروت در مدیترانه شرقی روی آورد و سرانجام در جزیره فاروس که ساحلی دور افتاده و غیر مسکون بود آرام یافت. در آنجا ادیسه را دید که از طریق مصر برای بازگرداندن منلاس به اسپارت بدان جا راه یافته بود. به هنگام رسیدن منلاس به مصر هلن ناپدید شد چرا که هلن ربوده شده از جانب پاریس از پاره ابری که پروته شهریار مصر به هیأت هلن درآورده بود شکل گرفته بود. شهریار مصر هلن حقیقی را به منلاس بازگردانید و منلاس دریافت که جنگ تروا به خواست خدایان و نه برای دستیابی به هلن که برای بازگرداندن پاره ابری شکل گرفته بود. کشتی‌های اسپارت سرانجام بازگشتند و منلاس و هلن دیگر بار آرامش خویش را بازیافتند» (پین سنت، ۱۳۸۰: ۲۱۱).

«منلاس هفت سال تمام در راه بازگشت به اسپارت بود، و بیشتر این مدت را در سرزمین مصر گذراند. چون سرانجام توفیق یافت و به کشورش رسید؛ تا پایان عمر به فرمانروایی‌اش در آن

سرزمین ادامه داد. آنگاه خدایان به شور نشستند و جاودانگی به او بخشیدند، زیرا او شوهر جاودانه هلن بود، و این زن و شوی به کشتزارهای الیزی انتقال یافتند که اغلب به نام «جزیره خوشبختان» شهرت یافته‌اند.» (روزنبرگ، ۱۳۸۶: ۲۲۳).

پایان هلن را به چند گونه روایت کرده‌اند که او پس از مرگ همسرش با برادرانش، دیوسکورها به درگاه ستارگان پذیرفته شد، یا اینکه به آشیل پیوست و با هم به جزایری دور دست رفتند. نیز جایی دیگر روایت کرده‌اند که او از اسپارت رانده شد و به رودس پناه برد و در آن جا به فرمان ملکه پولیسکو بر درختی به دار آویخته شد. او را در جزیره رودس با عنوان دندریتیس می - پرستیدند (ف. ژیران، ۱۳۹۸: ۲۰۲).

در رابطه با عاقبت جنگ می‌توان گفت که این کشمکش و خونریزی ثمری به بار نمی‌آورد و تروا به خاطر باروهای بلند و دیوارهای ستبر، تسخیر ناپذیر است. در رابطه با استحکام برج و باروهای تروا ویل دورانت چنین بیان داشته است «شهرنشینان تروا، که در "رام کردن اسب دست داشتند" و در پشت باروهای خود مغرورانه به سر می‌بردند، بر نواحی اطراف خویش تسلط می‌ورزیدند و از بازرگانان زمینی و دریایی باج می‌گرفتند» (ویل دورانت، ۱۳۷۷: ۴۶).

در ادامه جنگ تروا، دوری از وطن و ناامیدی از غلبه بر دشمن، خطاهای سرکردگان و ناسازگاری - های سپهسالاران همه را فرسوده و بی‌تاب می‌کند. خدایان یونانی نیز در این کشمکش پای می‌نهند. در یکی از جنگ‌ها یونانیان غنایمی به دست می‌آورند. کریزیس دختر کاهن آپولون به آگامنون و بریزیس هم به آشیل می‌رسد. پدر کریزیس با دادن سرب‌های فراوان از آن‌ها درخواست می‌کند که دخترش را آزاد کنند؛ اما این درخواست با مخالفت آگامنون فرمانده یونانیان مواجه می‌شود. کاهن هم دست به دعا برمی‌دارد و از خداوندگارش می‌خواهد که بر یونانیان عذاب نازل شود. آگامنون پس از نزول عذاب، می‌پذیرد که کریزیس را پس دهد؛ اما در مقابل بریزیس را که بهره آشیل است از دست او درمی‌آورد. آشیل نیز پس از این ماجرا ناراحت می‌شود و از خداوندش - مادرش - می‌خواهد که یونانیان شکست بخورند؛ همچنین از ادامه جنگ و کمک به یونانیان دست برمی‌دارد. در این بین تروایی‌ها با رهبری هکتور ضربات سختی به یونانیان وارد می‌سازند. یونانیان

هرچه تلاش می‌کنند نمی‌توانند رضایت آشیل را برابریازگشت به دست آورند؛ اما رضایت می‌دهد تا دوستش پاتروکل به مصاف تروایی‌ها برود. پاتروکل سلاح آشیل را می‌پوشد و پس از رشادت‌های فراوان به دست هکتور کشته می‌شود. آشیل با شنیدن این خبر با آگاممنون آشتی می‌کند و با پوشیدن زرهی که توسط الهه دریا برای وی آماده میشود، به نبرد هکتور می‌رود و از طرفی هکتور «حکم جنگاور اول را برای تروا دارد» (سادات نهضت اخلاق آزاد، ۱۳۹۱: ۲۹۵). هکتور جوشن پاتروکل را به تن کرده بود، به دلیل هیكل درشتش تمام بدن او را نپوشانده بود بنابراین «بخشی از گردن او برهنه مانده است و درست از همین بخش است که آشیل زخم کاری خود را وارد می‌کند» (اودن، ۱۳۷۹: ۱۱۰) و او را می‌کشد و جنازه‌اش را با گردونه به هر سوی می‌کشاند. سرانجام با کشته شدن هکتور به دست آشیل تروا شکست می‌خورد و پریام، پدر هکتور پس از دوازده روز جنازه پسر را از آشیل دریافت می‌کند و این جنگ با پیروزی یونانیان به پایان می‌رسد. از آنجایی که بازپس گیری جنازه مهم بوده است می‌تواند به این واقعیت تاریخی اشاره داشته باشد که آنان بر پیکر آنان سوگ می‌سروده‌اند. زیرا یونانیان اعتقاد داشته‌اند که «روان جنگجو بدون مراسم سوگواری، سرگردان و معذب خواهد ماند» (pantelia.21:2002).

آشیل، با توجه به آنچه مادرش گفته بود می‌دانست که پس از مرگ هکتور، مرگ خود او فرا می‌رسد. این پهلوان قبل از این که عمرش به پایان برسد دلآوری دیگری را به نمایش گذاشت. شاهزاده ممنون حبشی پسر الهه سپیده دم با سپاهی گران به یاری تروا آمد که در نتیجه گرچه هکتور وجود نداشت، یونانی‌ها چندی در تنگنا قرار گرفتند و شماری از دلاوران و جنگاورانشان از جمله آنتیلوک بادپا، پسر نستور سالخورده را از دست دادند. سرانجام آشیل ممنون را در نبردی دلیرانه و مردانه، که آخرین نبرد وی بود، کشت. پس از آن خود آشیل هم در کنار دروازه اسکایی بر خاک افتاد. او سربازان تروایی را تا زیر دیوار شهر تروا عقب رانده بود. در آنجا پاریس تیری به سوی او رها کرد و آپولون آن تیر را به گونه‌ای هدایت کرد که به پاشنه پایش اصابت کرد که آسیب پذیر بود. آشیل مرد و آژاکس هنگامی که اودیسه جلوب سپاه تروا را گرفته بود، جسد او

را برداشت و از میدان کارزار بیرون برد. مشهور است که وقتی جسد آشیل را سوزاندند، استخوان - هایش را در همان ظرفی جای دادند که استخوان های دوستش پاتروکل را هم گذاشته بودند (همیلتون، ۱۳۸۳: ۲۶۴).

در رابطه با عاقبت و سرانجام جنگ و پیروزی یونانیان چنین آمده است که «نه دلاوری های اودیسه، پهلوان دیومد، نه قهرمانی های آشیل نتوانست مقاومت ترواییان را - که به فرماندهی هکتور دلیر می جنگیدند - درهم شکند. سرانجام جنگاوران یونانی توانستند با پنهان شدن در اسب چوبی بزرگی وارد شهر تروا شوند. اسب چوبی را خود ترواییان به داخل شهر کشیدند. بدین گونه تروا فتح شد و در آتش سوخت. پیام شهریار پیر کشته شد و دیگر اعضای خاندان شاهی یا کشته شدند یا به اسارت درآمدند» (ف. ژیران، ۱۳۹۸: ۲۰۲).

جنگ در پی خود پیامدهایی داشت که می توان به ای موارد اشاره نمود: از پیامدهای جنگ می توان به از دست دادن پهلوانان نامدار و سترگی چون آشیل اشاره نمود. «اینکه آشیل به دست یک فرد ضعیف یعنی پاریس و از ناحیه فوزک پا به خاک می افتد نشان دهنده این است که آشیل نماینده ضعف های سرشت آدمی است» (leiniecks.1974).

علاوه بر از دست دادن قهرمانان نامی، جنگ تلفات بسیاری را به بار می آورد تا آنجا که از زیادی جسدها رود گزانتوس به سخن می آید و می گوید که خیزابه هایش پر از لاشه شده و دیگر نمی تواند خراج خود را به دریا بدهد (باستید، ۱۳۷۰: ۶۳۶).

خدایان نیز با توجه به موقعیت هایی که داشتند هر کدام حامی گروهی خاص می شدند و این نیز سبب می گشت آنان از حيله ها و ترفندهای بسیاری استفاده کنند تا گروهی را بر علیه گروهی دیگر تحریک نمایند و برافروختن آتش جنگ و به بار آوردن خسارت های بسیار از دیگر پیامدهای جنگ بود. «منشأ پدیده های طبیعت و همچنین آیین ها و عقاید موروث را به نحوی غالباً ساده لوحانه تبیین می کند، دخالت قوای مافوق طبیعت را در امور طبیعی و انسانی، همراه با اسباب

پیدایش دگرگونی هایی که بر اثر این دخالت ها در احوال عالم حاصل می آید، به بیان می -  
آورد» (زربین کوب، ۱۳۷۵: ۴۰۴).

درواقع این ناهماهنگی و نداشتن اتحاد در بین خدایان همواره وجود داشته است و سبب شده تا حتی قهرمانان و انسان ها نیز در هنگام سختی ها هر کدام از خدایی دیگر مدد و راهنمایی بخواهد. آنچه از این فرهنگ چند خدایی یا همه خدایی حاصل می شود، درگیری ها، برخوردها و چالش های فراوان میان اعمال، افکار و خواسته های رنگارنگ و متغیر و بی ثبات این خدایان است تا زمانیکه پس از برخوردها و اصطکاک های فراوانی، صیقل خورده، با هم کنار آمده و به ثباتی نسبی برسند» (اسمیت، ۱۳۸۴: ۸). در دوره های بعد، در دوره هایی که استدلالات عقلی پا به عرصه می - نهند، دوره افلاطون و ارسطو و... شاهد این هستیم که این داستان های اسطوره ای و باورهای کهن هنوز حضور دارد اما به تدریج دارد کمرنگ می شوند و گفتار خردپذیر جای آن را می گیرد. کاپلستون این تغییر جریان را انتقال باورهای جامعه از اسطوره به فلسفه تعبیر می کند. (کاپلستون، ۱۳۶۸: ۲۵).

یکی از پیامدهای اقتصادی جنگ تروا از بین رفتن و نابودی تروا بود زیرا یونانیان که با اسب چوبی وارد شهر تروا می شوند تمام شهر را به آتش می کشند و باین کار تمام اقتصاد شهر نیز که دارای سلاح های مفرغی و پنبه های وارداتی بود در آتش خرد و خاکستر می شوند و ممکن است پس از همین رویداد بوده است که عصر آهن پس از آن شکل می گیرد. از قهرمانانی که درون اسب بودند می توان نئوپتولموس را نام برد. «به موجب یک پیشگویی که فقط پرومته از آن اطلاع داشت، مقدر آن بود که پسر تیس به مقامی بزرگتر از پدر دست یابد. زئوس به محض آنکه از این راز آگاه شد، فکر داشتن پسری از تیس را کنار گذاشت، و تصمیم گرفت او را به عقد ازدواج یک فانی به نام پلیوس درآورد؛ فرزند این دو، آشیل بزرگترین پهلوان یونان در جنگ تروا شد.» (برن، ۱۳۹۰: ۴۲).

والدین او را در هیأت دختری به شهر اسکوروس می فرستند و او پس از مدتی زندگی در آنجا با دختری درمی آمیزد و از او پسری می یابد به نام نئوپتولموس. (همان، ۴۵). سرنوشت پسر آشیل هم



با نبرد تروا گره می خورد. پس از کشته شدن آشیل با تیر پاریس، در سال آخر نبرد، طبق برخی روایت ها، یونانیان تدبیری می اندیشند تا هرطور شده وارد شهر تروا گردند: ساختن اسب معروف تروا. بعد از آماده شدن این اسب، دلیرانی برگزیده می شوند تا داخل اسب پنهان شوند. یکی از این دلیران کسی نیست جز پسر آشیل: نئوپتولِموس. (همان، ۵۱).

آشیل با وجود رویین تن بود شکست می خورد و به خاک افکنده می شود. در اینجا این واقعیت آشکار می گردد که رویین تن بودن نیز نمی تواند قهرمانان را از گزند محفوظ نگه دارد. «رویین تنی به معنای این است که بدن انسان با نیرویی ماورایی و جادویی و ناشناخته، اما با اسبابی زمینی و مادی، مانند آب یک چشمه، در برابر هر نوع آسیب و ضربه مقاوم شود و هیچ عیب و خدشه‌ای به آن وارد نشود» (یاحقی، ۱۳۷۵: ۲۱۹). مفهوم دیگر رویین تنی آن است که یکی بتواند برتر از دیگران قرار بگیرد: آدمیان تا زمانی که بتوانند همدیگر را زخم بزنند و از پای درآورند، با هم برابرند. اگر در میان آنان کسی پیدا شود که ضربه هالک بر او کارگر نیفتند، از همه آنها برتر می شود، بدینگونه واجد صفت قهرمان بی همتا می گردد که تجسم آن یکی از نیازهای روانی بشر بوده است (اسلامی ندوشن، ۱۳۷۴: ۴۵).

## ۸- نتیجه گیری

با توجه به پژوهش انجام شده جنگ تروا از مهم‌ترین جنگ‌های یونان کلاسیک محسوب می شود که سبب پیدایش آثار مهم و کهن ادب حماسی ایلید گشت. جنگ تروا جنگی ده ساله میان یونان و تروا بود که بیشتر با رنگ افسانه‌ای به تصویر کشیده شده است اما وقایع آن یک رویداد مهم تاریخی می باشد که باستان شناس معروف به نام شلیمان درصدد کشف واقعیت آن برخاست و توانست بقابلی از آن را کشف نماید و جامه تاریخی به آن بپوشاند. آنچه مسلم است این می باشد که ابرخدایان در یونان از گذشته تا کنون دارای اهمیتی وافر بوده اند. نه تنها در پیدایش طبیعت بلکه در جنگ‌ها نیز نقش بسزایی داشته‌اند. از علل افسانه‌ای جنگ، ربوده شدن هلن الهه زیبای یونان توسط پاریس را عنوان نموده‌اند و همچنین اهانت آگاممنون به کاهن معبد. اما طبق نظریات تاریخ نویسان و کشفیات شلیمان، ده سال جنگیدن بخاطر یک الهه دور از منطقی به نظر می رسد

بلکه علت اساسی جنگ موقعیت اقتصادی تروا بوده است که یونان درصدد فتح و زیرسلطه قرار دادن آن برآمد. در طول جنگ بارها یونانیان از ترواییان شکست می‌خورند زیرا تروا برج و باروهای نفوذناپذیر داشت. در سال‌های آخر جنگ آشیل، قهرمان یونانی به جنگ با قهرمان تروا به پا می‌خیزد و او را از بین می‌برد و از طرفی دیگر یونانیان برای نفوذ به تروا اسب چوبی می‌سازند و قهرمانانی چند درون آن خود را پنهان می‌نمایند و آن را به عنوان هدیه به ترواییان تقدیم می‌کنند. هنگامی که ترواییان اسب را به داخل شهر می‌برند، قهرمانان یونانی از درون اسب خارج می‌شوند و تروا را به آتش می‌کشند که سبب نابودی تروا و همچنین سبب نابودی اقتصاد آن می‌شوند. بنابراین یونانیان تمام هدف خود را از این جنگ تصرف تروا قرار داده بودند زیرا تروا از موقعیت اقتصادی مهمی برخوردار بود.

## منابع

۱. ابراهیمی فر، مریم، (۱۳۷۵)، «جهان بینی حکیم ابوالقاسم و هومر»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه یزد، دانشکده زبان و ادبیات فارسی
۲. استاتارد، دیوید (۱۳۹۷)، تاریخ یونان باستان در پنجاه زندگی نامه، ترجمه شهربانو صارمی، تهران: ققنوس
۳. اسلامی ندوشن، محمدعلی (۱۳۷۴)، زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه، تهران: انتشارات آثار
۴. اسمیت، ژوئل، (۱۳۸۴). فرهنگ اساطیر یونان و روم. ترجمه شهلا برادران خسروشاهی. تهران: انتشارات فرهنگ معاصر و روزبهان.
۵. الیاده، میرچا (۱۳۷۵)، رساله در تاریخ ادیان، ترجمه جلال ستّاری، تهران: انتشارات سروش.
۶. باستید، روژه، (۱۳۷۰)، دانش اساطیر، ترجمه جلال ستّاری، تهران: توس
۷. برن، لوسیانو (۱۳۹۰)، جهان اسطوره‌ها، ترجمه عباس مخبر، نشر مرکز

۸. بهمنش، احمد (۱۳۴۵)، تاریخ یونان قدیم، جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
۹. پین سنت، جان، (۱۳۸۰)، شناخت اساطیر یونان، ترجمه: باجلان فرخی، تهران: اساطیر، چاپ اول
۱۰. دورانت، ویلیام جیمز (۱۳۷۷)، تاریخ تمدن (یونان باستان)، ترجمه: امیر حسین آریانپور و دیگران، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
۱۱. دومزیل، ژرژ، (۱۳۸۴)، اسطوره و حماسه در اندیشه ژرژ دومزیل، ترجمه: جلال ستاری، تهران: نشر مرکز، چاپ اول
۱۲. رضایی، احسان، (۱۳۸۸)، جنگ تروا، واقعیت یا افسانه؟، مجله همشهری جوان، سال دوازدهم
۱۳. روزنبرگ، دونا، (۱۳۸۶)، اساطیر جهان، ترجمه: عبدالحسین شریفیان، تهران: اساطیر
۱۴. زرشناس، شهریار، (۱۳۹۳)، یونان از روزگاران کهن تا قرن ششم قبل از میلاد، تهران: خبرگزاری تسنیم
۱۵. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۶)، نامورنامه، تهران: نشر سخن، چاپ دوم
۱۶. زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۷۵)، ارسطو و فن شعر، تهران: امیرکبیر
۱۷. سادات نهضت اخلاق آزاد، مهسا، (۱۳۹۱)، «مقایسه تطبیقی سیمای پهلوان در شاهنامه فردوسی و ایلیاد و اودیسه هومر»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی
۱۸. ستاری، جلال، (۱۳۶۸)، اسطوره جهان امروز، تهران: نشر مرکز
۱۹. سیدیر و کنستاتین، (۱۳۷۵)، نگاهی دیگر بر ایلیاد هومر، ترجمه محمد بقایی، تهران: دفتر مطالعات ادبیات داستانی
۲۰. شهباز، شاهین (۱۳۵۳)، سیری در بزرگترین کتاب های جهان، تهران
۲۱. عبده قاسم، قاسم، (۱۳۹۲). مبانی فکری و ماهیت جنگ های صلیبی. ترجمه عبدالله ناصری طاهری و نرگس قنديل زاده. قم. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
۲۲. ف. زیران، (۱۳۹۸)، اساطیر یونان، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور، تهران: نشر مکتوب

۲۳. کاپلستون، فردریک. (۱۳۶۸). تاریخ فلسفه: یونان و روم. ترجمه سیدجلال الدین مجتبوی. انتشارات سروش و انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۴. کوپ، الرنس (۱۳۸۴). اسطوره. ترجمه محمد دهقانی. انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۵. گریس، ویلیام جی، (۱۳۷۶)، ابیات و بازتاب آن، ترجمه بهروز عرب دفتری، تبریز: نیما
۲۶. گریفین، چسبر، (۱۳۷۶)، هومر، ترجمه عبدالله کوشی، تهران: طرح نو
۲۷. مشکور، محمدجواد، (۱۳۷۵)، خلاصه ادیان در تاریخ دین های بزرگ، گیلان: نشر شرق
۲۸. ناردو، دان (۱۳۸۷)، یونان، ترجمه فاطمه شاداب، تهران: ققنوس
۲۹. نصر اصفهانی، محمدرضا و میرمجربیان، (۱۳۸۸)، «دو بانوی عشق: مقایسه تحلیلی - انتقادی شخصیت و جایگاه هلن و منیژه در دو حماسه ایلید و شاهنامه»، سال ۳، شماره ۱۲، صص ۱۳۹-۱۶۳
۳۰. ولک، رنه. وارن، اوستن (۱۳۷۳). نظریه ادبیات، ترجمه ضیاء موحد و پرویز مهاجر. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۳۱. هرودوت، (۵۳۹ش)، تاریخ هرودوت، ترجمه هادی هدایتی، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه
۳۲. همیلتون، ادیت (۱۳۸۳)، سیری در اساطیر یونان و روم، ترجمه عبدالحسین شریفیان، تهران: نشر اساطیر
۳۳. هومر، (۱۳۸۶)، «ایلید»، ترجمه: سعید نفیسی، تهران: سپهرادب، چاپ دوم
۳۴. یاحقی، محمدجعفر (۱۳۷۵). فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی، انتشارات سروش.